

شعر فارسی چگونگی پدید آمده؟

از: د. خوشبخت

غالب محققان بر این عقیده‌اند که شعر از روزگارانی قدیم
۱- شعر در ایران قدیم در ایران وجود داشته است. لفظ «گانا» در زبان اوستایی
بمعنی «شعر» و «سرود» آمده و «گانها» که قدیم‌ترین
جزء کتاب «اوستا» است شامل اشعاری است که به احتمال قوی، از سروده های خود
«زرتشت» پیامبر بزرگ ایرانی است.

بر طبق تحقیقات دانشمندان فرنگی، این اشعار قواعدی داشته که ظاهراً با
قواعد عروض فارسی که پس از هجوم عرب پدید آمده و تا امروز دوام یافته، شبیه نبوده
است زیرا وزن شعر اوستایی بر اصول تساوی شماره هجاها بوده و در میان هر مصراع،
وقفه‌ها با سکنه‌هایی بوده که بموجب اختیارات شاعری در جا های مختلف قرار میگرفته
است. مثلاً اگر شماره هجاهای یک مصراع، یازده بوده، شماره هجاهای مصراع دیگر
بیز همین عدد را تشکیل میداده منتها، وقفه یا سکونی که در میان هجاهای هر یک از
دو مصراع می‌آمده، جای معینی نداشته و بعبارت دیگر، تغییر می‌کرده است. فی‌المثل
اگر در مصراع اول، وقفه‌ای میان هجاهای چهارم و پنجم جای میگرفته، این وقفه در
مصراع دوم، بین هجاهای ششم و هفتم پدید می‌آمده است.

(۱) کوتاه‌ترین جزء کلمه را که با یک صوت تلفظ شود، هجا می‌گویند. مثلاً کلمه
«سلام» از دو هجای «سل» و «آم» تشکیل یافته است.

نمونه دیگری که از شعر اوستایی در دست مانده، گذشته از «گانه‌ها» که بیش از این اشارهای به آن‌ها شده، «پشته‌ها» جزء دیگر کتاب «اوستا» است که منظوم است اما وزن اشعار این جزء با جزء دیگر که «گانه‌ها» باشد، فرق دارد، زیرا شمارهٔ هجاهای این اشعار با یکدیگر مختلف است و محل نشستن وقفه‌ها نیز در هر یک از آنها متمایز از دیگری میباشد. نکتهٔ لازم یادآوری این است که همهٔ این اشعار، بر طبق اسناد و مدارک مطمئنی که در دست است، همراه با آهنگ موسیقی بوده و در آنشکده‌ها نوأم با آواز خوانده میشده است و یقین است که نحوهٔ خواندن مغان بر شیرینی و دلنشینی آنها می‌افزود و تأثیرشان را بیشتر میکرده و حال آنکه امروزه، چون آهنگ آنها در دست نیست، روح و جانی در قالب این اشعار نمانده است.

اما صاحب نظران دربر زمانی دربارهٔ وجود شعر در زبان پهلوی (یعنی زبان دورهٔ اشکانی و ساسانی) تردید میکردند زیرا در میان کتیبه‌ها و یا آثاری که از این زبان در دست داشتند، نشانی از وزن نمی‌یافتند و به همین سبب گروهی از «نازی پرستان» بانگ برداشته بودند که نازیان هنر شاعری را به ایرانیان آموخته‌اند و الا ایرانی قدیم از این هنر، آگاه نبوده است.

اما تحقیقات بعدی دانشمندان ثابت کرد که شعر در زبان پهلوی هم وجود داشته و نمونه‌ای از آنرا که عبارت از مصرعهای هفت یا هشت هجایی است، در کتیبهٔ شاهپور اول که بدو زبان در **حاجی آباد** نقش شده، می‌توان جست. منتها، چون کتیبهٔ نامبرده با الفبای پهلوی نوشته شده و در این الفبا، حرکات حروف معلوم نیست و در نتیجه تلفظ درست کلمات امکان ندارد، لذا وزن صحیح شعر را نیز نمی‌توان تشخیص داد.

علاوه بر این کتیبه، بر اثر کشفیاتی که در **تورقان** صورت گرفت، قسمتی از کتب «مانی» و مانویان بدست آمد و از آن میان سرودها و اشعاری بچنگ افتاد که وجود شعر را در روزگار ساسانیان نیز به اثبات رساند و چون آثار پیروان مانی همه به خط آسوری نگاشته شده و این خط دارای حرکات و اعراب بوده است، لذا تلفظ درست کلمات و وزن اشعار متون مانوی سهل‌تر و آشکارتر از آثاری که به خط پهلوی در دست مانده، تشخیص داده شده است. بنا بکفتهٔ دانشمندی که در اشعار مانوی تحقیق و تفحص کردمانند، مبنای وزن این اشعار نیز مانند اشعار اوستایی بر شمارهٔ هجاهاست و مصرعهای پنج و شش و هفت و نه وده و یازده هجایی و مخصوصاً هشت هجایی در میان قطعات اشعار مزبور فراوان دیده میشود.

اكتشافات تورقان، بمحققان فرنگی اجازه داد که قواعدی از شعر زبان پهلوی را دریابند و بر اهنمائی این قواعد به جستجو در عبارات موزون و اجاباً منظوم متن‌ها و کتیبه‌های این زبان بپردازند. از جملهٔ نتایجی که از این جستجو حاصل شد، یکی

(۱) تورقان، شهر بسیار قدیمی در ترکستان امروز و ماوراءالنهر در روز.

قطعه‌ای است که در «بندھش ایرانی» یافت شده و مدحی در حق «زروان» نیمه خدای
زمان است و دیگری رساله «درخت آسوریک» است که ظاهراً منظومه‌ای بزبان پهلوی
اشکالی بوده و در زمان ساسانیان تصرفات و تغییراتی در عبارات آن داده شده است.

از همه این تحقیقات، نکته جالب نتیجه روشنی بدست آمده که ثابت میکند
اساس وزن شعر در ایران باستان (اعم از زبانهای اوستائی و پهلوی و فارسی عامیانه) بر
شماره هجاها استوار بوده (مانند اشعار فرانسوی و ایتالیائی و اسپانیائی) و نه بر کمیت
هجاها یعنی کوتاهی و بلندی آنها یا امتدادی که هنگام تلفظ پیدا میکنند (مانند شعر
امروز فارسی و شعر عربی) و همه نمونه‌هایی که از اشعار عامیانه یا محلی فارسی جمع -
آوری شده، معلوم میکنند که فقط شماره هجاها (سرقنظر از کوتاهی و بلندی یا شدت
و ضعف تلفظ آنها) مبنای وزنشان بوده است، مانند این دو بیت که در «المعجم فی
معاییر الاشعار عجم» از لهجه اهالی زنجان و همدان نقل شده است:

از کبری مون خواری اچ که ترسی در کشی مون باری اچ که ترسی
از اینمه دلی ترسم ای کیج ای کهان دل ته داری اچ که ترسی

و چنانکه مشهود است از چهار مصراع ده هجائی تشکیل یافته است. همین دو
بیت را که وزن عروضی ندارد (یعنی اساس وزن آن بر کوتاهی و بلندی یا عبارت دیگر
«کمیت» هجاها نیست) بعدها، یعنی از قرن هفتم به این طرف تغییر داده و بوزن عروضی
در آورده‌اند و بیاباطاهر عربان منسوبش کرده‌اند:

کشیمان گر بزاری از که ترسی برونی گر بخواری از که ترسی
به این نیمه دل از کس مو ترسم در عالم دل ته داری از که ترسی

بدین ترتیب می‌بینیم که ابتکار ایرانیان در وزن شعر عبارت از تطبیق دادن موازین
هجائی ایرانی با عروض کعبی عربی است و از این انطباق که نخست در بحر متقارب (وزن
شاهنامه فردوسی) جلوه گرفته شده، شعر، ضمیمه فارسی جدید پدید آمده است.

اما توضیح یکی دو نکته در اینجا جایز است؛ اول اینکه نباید پنداشت که شعر
فارسی و بحور عروضی آن کاملاً در تحت تأثیر عروض عربی قرار گرفته است، زیرا اوزان
و بحوری که در اشعار عربی فراوان بکار می‌رود، در شعر فارسی بسیار کم رایج بوده است
و بالعکس، اوزان و بحوری که در اشعار فارسی استعمال شده، یا مانند وزن رباعی و وزن
مثنوی کاملاً ایرانی بوده و یا از جمله آنها نیست که در شعر عربی بندرت استعمال گردیده
است. دوم اینکه چون تمدن عرب از دولت عربی «حیره» که از تابعان سیاست‌امپراطوری
ایران بوده، نشأت کرده است و این دولت در بسیاری از شئون مدنی و اجتماعی نیز تحت
تأثیر تمدن ایران ساسانی قرار داشته، بسیار محتمل است که در قنون ادبی (از جمله،
عروض) هم نکات فراوانی از ایرانیان کسب و اقتباس کرده باشد. پس نتایج کلی و جامعی
را که از این بحث بدست می‌آوریم بدین ترتیب خلاصه می‌کنیم:

۱ - برطبق مدارك و اسناد قطعی که در دست است اساس وزن شعر در زبان اوستایی بر شمارهٔ هجاها بوده و کمیت (یا بلندی و کوتاهی) آنها و نیز تکیه (یا شدت و ضعف تلفظ هجاها) در آن، مورد نداشته است. این اشعار توانم یا نغمه و آواز بود بنابراین از موسیقی نیز برای شدت تأثیر، بهره می گرفته است.

۲ - باوجود عقاید مختلفی که دربارهٔ وزن شعر پهلوی (اعم از اشکانی و ساسانی) میان دانشمندان رواج دارد، رویه پخته سه عقیده وجود دارد:

الف - اساس وزن در شعر پهلوی بر شمارهٔ هجاها قرار داشته است (مانند شعر اوستایی).

ب - اساس وزن در شعر پهلوی بر تکیه (شدت و ضعف تلفظ هجاها) و نیز بر شمارهٔ آنها (هر دو) ستوار بوده است.

ج - اساس وزن در شعر پهلوی هم بر کمیت (کوتاهی و بلندی هجاها) و هم بر تکیه (هر دو) متکی بوده است.

اگر نظر خاور شناسان و محققان اروپائی را معتبر بگیریم، بیشتر باید عقیدهٔ اول (**الف**) را بپذیریم زیرا اکثریت ایشان بر اساس آن حکم کرده اند و شمارهٔ کسانی که عقیدهٔ دوم (**ب**) را پذیرفته اند، اندک است.

زرنگی عتیقه فروش

چندی پیش یکی از ملبورهای آمریکائی وقتاً از سفر ایتالیا به کشورش باز میگردد مهمانی مفصلی برپا میکند و در ضمن آن ارمغانهایی را که از سفر باخود آورده بدوستانش نشان میدهد. در میان ارمغانهای مزبور میزبان یک دست خوش ترانس مرمرین نیز به میهمانان نشان میدهد و باغریور و آب و نساب، قمر او ان شرح میدهد که چگونه موفق شده است با قیمتی گزاف یکی از گرانبهارترین آثار تاریخی جهان یعنی دست گمشدهٔ مجسمهٔ **نفوس** را پسنگه آوردن از شمشکان سخنان میزبان آه از نهاد یکی از میهمانان بلند میشود زیرا وی نیز خود را مالک خوشبخت آن اثر بسیار نفیس منحصر بفرد میدانست.

خلاصه در دستران ندهیم پس از آنکه تحقیقات لازم بعمل میآید معلوم میشود یک عتیقه فروش زرنگ و باقلایی ایتالیائی با کمک یک مجسمه ساز ماهر تا آن موقع پیش از یکصد عدد از آن دست منحصر بفرد را به علاقمندان آن آثار عتیقه و کمیاب که معمولاً همگی ثروتمند میباشند فروخته و تمام خریداران را باسوگند و زیبائی چرب و نرم متقاعد ساخته است که مالک خوشبخت و خوش شانس آن اثر منحصر بفرد میباشند.